

الفه اول

موضوع این کتاب درباره پیرزده بن آتیان است که منظور از این دختر ۱۲ ساله است که اسم آن کوس که روز ۳ روز هم بزرگتر می شود مادر و پدرش به اجبار همان سن ۱۲ سالگی او را به تصمیم شوهر کردن می گردانند می گفتند تو بیانش یواش بزرگ می شوی و باید و باید شوهری داشته باشی علت آن هم نبودن کوس می دانست آن به خاطر غذای کم و فقیر ~~بود~~ زیاد در خانه بود پدرش نامه نویسی بود و برادر عیند رو به او که افراد بی سواد برای نوشتن نامه آتیان به او می دادند او برای بار هم روز را در بازار می نشست مشتری هایش فقیر بودند و آنقدر خوش قلب بوده شاید دو روپی برای آنها نامه می نوشت کوس وقتی کوچک بود کنار پدرش بناچار می نشست و کنار هایش می انویسید و بارها بی نیت وقتی در نامه از پیرزده بن آتیان در قفس می افتاد و پدر با هوش او آنها را می نوشت او مدرسه را خیلی دوست داشت برادرانش به مدرسه می رفتند و او دوست داشت در کنار آنها مدرسه برود و بعد از آن پدر و مادر به فکر شوهر کردن برای او بودند برادرانش خیلی در این موضوع او را خیلی آزار و اذیت می کردند و هر کلاه خردی و نظریه در این موضوع ~~نامه~~ نوشته

به اسم یک برادر کوچک و دوم نام بود آنها در دهده این نوعی درس می خوانند

در آن مدرسه و دخترانه بنا را او بود در آن مدرسه معلمان محبت شیر بودند و حتی برادرانش

وقتی کوی می خواست درباره درس جستجو و جستجو می نمود او را از بیت می بردند و می نوشتند

او چیز بسیار می خواند و مادرش می گفت تو نباید هزینه ای برای درس کنی و هزینه

آن را برای جویند جمع می نمود و برادرانش او را درباره درس ~~تقریب~~ تقریب

می بردند و می گفتند در این عنوان مویست ای ریزد و چیل می شود ~~تشیها~~ تیشها هایت عیب و مردی

شاهت می نبود با همه این صحبت او شب را عجب و عورتی می زد و مادرش او را برای

خرید و مارهای خانه می خواست همیشه او را به دهده می فرستاد و مادرش نامی نداد و می برد

و کوی وقتی از دهده رد می شود پشت بفره مدرسه می ایستاد و گوش می زد مادرش تنبی

تلاش می کرد و او باس پروص در ^{او ایند} دست ~~بخت~~ او را خیلی خوب می دید او می دانست

اگر خانه شوهر برود از برادرانش و مادر و پدر دور می شود او در دست نداشت از آنها دور

شور و به خاطر این مسائل از اوج بندوی غیر این صورت آرزوی او در زمان معینی همین

بود که کوی را به از خانه دهده بفرستد و مشکلات خانواده بر او دست نهاد و توان غذا را نتواند بخورد

برگ امتحانی

نام: _____ استان: _____ کلاس: _____ تاریخ امتحان: _____
نام خانوادگی: _____ دبیرستان: _____ شعبه: _____ موضوع امتحان: _____

صفحه سوم

بناختره پذیرفتم و برای جوینده لغات دوستانم و من دانستم بعد از شوهر کردن باید خانمانی

شوهر را داشته شود بداند بدو نرسد هر فکرهای طبیعی و حیوانان و طبیعت را با

وسایلی مثل منفق دوزخ می بران نصب کرد مردم و ما کسان را بر آن ~~طرح~~ طرحی

کرد و مدت زمان طوری طول کشید تا این را در دست گذرد.